

دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و مجمع کشورهای صادرکننده گاز

سهراب شهابی^۱

جواد بخشی^۲

سیما رفسنجانی نژاد^۳

دیپلماسی انرژی به عنوان یکی از شاخه‌های دیپلماسی اقتصادی، نقشی تعیین کننده در اقتصاد جهانی معاصر دارد که همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه سیاستمداران در کشورهای مختلف بوده است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران عرصه انرژی با مشارکت فعال و ایفای نقش راهبردی در مجمع کشورهای صادرکننده گاز در پی منافع سیاسی و اقتصادی خود است.

هدف اصلی این مقاله امکان‌سنجی موفقیت جمهوری اسلامی ایران در رسیدن به اهداف خود در مجمع کشورهای صادرکننده گاز است. در این مقاله در پی پاسخگویی به این سوال هستیم که اهداف جمهوری اسلامی ایران از تلاش برای ایجاد مجمع کشورهای صادرکننده گاز چه بود و آیا این مجمع می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را به اهداف خود برساند؟ فرضیه این مقاله این است که چنین مطرح می‌شود که با توجه به اختلاف اهداف کشورهای مهم این مجمع و فشارهای غربی‌ها به ویژه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از یک سو و نیاز داخلی کشور (مصرف خانگی و صنایع نفتی) به مصرف گاز تولیدی از سوی دیگر، امکان موفقیت جمهوری اسلامی ایران در دست‌یابی به اهداف خود در مجمع کشورهای صادرکننده گاز کم است.

^۱ نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

Email: shahabiss@yahoo.com

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه،

Email: mjavadbakhshi@yahoo.com

تهران ایران.

^۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه تهران، ایران.

Email: Rafsanjani_sima@yahoo.com

واژگان کلیدی: دیپلماسی انرژی، مجمع کشورهای صادرکننده گاز و جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم، روابط بین‌الملل تحت تاثیر محاسبات امنیتی قرار گرفت و مطالعات روابط بین‌الملل و دیپلماسی نیز بیشتر تحت تاثیر همین واقعیت بود و دیپلماسی اقتصادی هیچ‌گاه اهمیتی مشابه آنچه از زمان پایان جنگ سرد کسب کرده، نداشته است (باین، ۱۳۸۸: ۷). اساس شکل‌گیری دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر کاستی‌های دیپلماسی سنتی برای تحقق اهداف سیاست خارجی و تامین منافع بازیگران دولتی و غیردولتی عرصه بین‌الملل در چارچوب تعاملات فزاینده و چندوجهی اقتصاد جهانی است (شیخ‌عطار، ۱۳۸۵: ۱۲). در همین رابطه می‌توان دیپلماسی انرژی را یکی از شاخه‌های اصلی دیپلماسی اقتصادی دانست. در این فرایند به طور تاریخی کشورهای دارای منابع انرژی و کشورهای واردکننده منابع انرژی هر یک به گونه‌ای بخش عمده‌ای از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سیاست خارجی خود را صرف تولید، صادرات یا واردات و تضمین امنیت، درآمد و عرضه انرژی ساخته‌اند.

با توجه به اهمیت انرژی و جایگاه آن در تعاملات بین‌المللی یکی از لایه‌های مهم و اساسی دیپلماسی کشورها، دیپلماسی انرژی می‌باشد. بر این اساس، می‌توان گفت که دیپلماسی انرژی برنامه‌ای است راهبردی، جامع و کارآمد که تعاملات بین‌المللی در حوزه انرژی را برای یک کشور مدون نموده و چارچوب کلی توافقات را مشخص می‌سازد. کشورهای دارنده منابع انرژی با بهره‌برداری از دیپلماسی انرژی و با اتکا به منابع و امکانات خود در این زمینه، سعی در ارتقای موقعیت و رسیدن به اهداف تعیین شده دارند. در دوران حاضر از دیپلماسی اقتصادی و به طور خاص دیپلماسی انرژی به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف استراتژیک و سیاسی استفاده می‌شود. نمونه چنین امری به وضوح در مورد روسیه مشاهده می‌شود. روسیه کشوری است که اقتصاد آن به درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز وابسته است. این کشور بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز در جهان است و در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از ذخایر ثابت شده گاز دنیا را در اختیار دارد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۹۰). دولت این کشور توانسته با استفاده از گاز، تا حدود زیادی اروپا را به خود وابسته کند و در سیاست‌های این کشورها نسبت به خود تعدیلاتی ایجاد کند (کی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

نمونه دیگر در زمینه استفاده از دیپلماسی انرژی، کشور قطر است. قطر یکی از کشورهای کوچک خلیج فارس است که سعی کرده است نفوذ خود را از راه‌های مختلف از جمله از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای مانند الجزیره و از طریق مشارکت فعال در دیپلماسی منطقه‌ای افزایش دهد (SongyingFang, 2012). در سال‌های اخیر قطر با مشارکت شرکت‌های غربی موفق شده در بازارهای گاز مایع جهان حضوری موفق داشته باشد و با استفاده از درآمدهای ناشی از فروش گاز، وضعیت اقتصادی و جایگاه منطقه‌ای خود را ارتقا دهد. اهمیت و موفقیت قابل توجه قطر، در تولید و صادرات گاز مایع است. این کشور در سال ۲۰۰۸ توانست در تولید گاز مایع، از اندونزی پیشی بگیرد و به بزرگترین صادرکننده طبیعی گاز مایع در جهان تبدیل شود (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۹۹). با توجه به دو مورد فوق می‌توان گفت که دیپلماسی انرژی به ایجاد فرصت‌های تعامل بین‌المللی در جهت حداکثرسازی منافع ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک کشورهای مربوط کمک کرده و اغلب کشورها تلاش می‌کنند با تکیه بر ابزار انرژی در جهت کاهش تهدیدات بین‌المللی گام بردارند.

در زمینه استفاده از دیپلماسی انرژی، گاز طبیعی یکی از کالاهای استراتژیک بوده و دارندگان منابع گازی می‌توانند از آن برای تأثیرگذاری بر معادلات سیاسی، منطقه‌ای و جهانی به نفع خود استفاده نمایند. تشکیل مجمع کشورهای صادرکننده گاز^۱ که جمهوری اسلامی ایران در ایجاد آن نقش اساسی داشت، از تحولات مهم بین‌المللی در عرصه جهانی گاز در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. عرضه‌کنندگان انرژی با تشکیل نهادی بین‌المللی نظیر مجمع کشورهای صادرکننده گاز، شرایطی را فراهم می‌کنند که در عین تعامل و همکاری در تأمین انرژی جهان، منافع جمعی خود را حداکثر نمایند.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به منابع سرشار نفت و گاز و به دلیل واقع شدن در منطقه استراتژیک انرژی، امکان ایفای نقشی راهبردی در عرصه تعاملات انرژی در سطح منطقه و جهان را دارد. سهم جمهوری اسلامی ایران از تولید، تجارت و انتقال انرژی، می‌تواند موجب ارتقای جایگاه منطقه‌ای و افزایش امنیت و قدرت ملی کشور شود. برخی از تحلیلگران، اقدامات و تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران در ایجاد مجمع کشورهای صادرکننده گاز را در راستای کوشش این کشور برای استفاده از ابزار دیپلماسی انرژی تحلیل می‌کنند.

^۱. Gas Exporting Countries Forum(GECF)

با توجه به موارد گفته شده، سوال اصلی این پژوهش این است، اهداف ایران از تلاش برای ایجاد مجمع کشورهای صادرکننده گاز چه بود و آیا این مجمع می‌تواند ایران را به اهداف خود برساند؟

در پاسخ به این سوال، فرضیه پژوهش چنین مطرح می‌شود، با توجه به اختلاف اهداف کشورهای مهم این مجمع و فشارهای غربی‌ها به ویژه آمریکا علیه ایران از یک سو و نیاز داخلی کشور (مصرف خانگی و صنایع نفتی) به مصرف گاز تولیدی از سوی دیگر، امکان موفقیت ایران در دستیابی به اهداف خود در مجمع کشورهای صادرکننده گاز کم است.

چارچوب نظری پژوهش

امروزه انرژی به یکی از مولفه‌های اصلی قدرت در روابط بین‌الملل تبدیل شده و نقش یک پیشران موثر را در پیوند دادن عرصه‌های مختلف سیاست و اقتصاد، اعم از ملی و فراملی بازی می‌کند. براین اساس، می‌توان از نوع دیگری از دیپلماسی به نام دیپلماسی انرژی سخن گفت. دیپلماسی انرژی هر کشور مجموعه‌ای از راهبردها، روش‌ها و تدابیری است که در رابطه با مدیریت کلان توسعه منابع انرژی و تولید و مصرف و تجارت حامل‌های انرژی در بستر رقابت و همکاری با دیگر بازیگران این عرصه اتخاذ می‌شود (اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۹۱). با مورد ملاحظه قرار دادن خط مشی امنیت انرژی، تعاریف متعددی از دیپلماسی انرژی صورت گرفته است. در ابتدا به واسطه فهم متفاوتی که از امنیت انرژی نزد کشورهای گوناگون (اعم از صادرکننده و واردکننده این منابع) وجود دارد، تعاریف گاه به‌طور متناقض از دیپلماسی انرژی صورت می‌گیرد. منظور از دیپلماسی انرژی، کنش متقابلی است که معطوف به نگاه بلندمدت و راهبردی به بسط همکاری بین‌المللی و جهانی انرژی و بر بستری از همکاری بین‌المللی، ابزار تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های چندجانبه در زمینه تولید و تجارت است. از منظر تعریف ارائه شده، دیپلماسی انرژی مبتنی بر دیپلماسی کنش‌مند و ملتزم به تعامل با دیگر بازیگران برای تعیین دستورکار، تعریف بازی جدیدی در زمینه تأمین الزامات امنیت انرژی فراگیر و تدوین قواعد رفتاری جهانی در بخش انرژی است. پس نشان موفقیت دیپلماسی انرژی در عدم رو کردن تاکتیک‌ها و اقدام کنش‌گرایانه، یعنی ایجاد مشوق برای تداوم این بازی، جستجو می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸: ۵-۷). بر این اساس، تحقق خط‌مشی‌های دیپلماسی انرژی در جمهوری اسلامی ایران، ارائه سازوکارهایی برای کاربست اهداف

دیپلماسی انرژی در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دیگر نیازمند توجه به ضرورت‌هایی است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

الزامات عملی در تدوین دیپلماسی انرژی

در این بخش الزامات عملی در تدوین دیپلماسی انرژی با توجه به ویژگی‌های خاص جمهوری اسلامی ایران و نیز بهره‌گیری از تجارب موفق دیگر کشورها در این زمینه بیان می‌گردد. برای این منظور برخی از عوامل مشترک در روند اجرایی تدوین دیپلماسی انرژی در کشورهای دیگر برای تدوین دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌گردد.

۱. همکاری و هماهنگی سازمان‌های داخلی

در همه کشورها بسته به نوع و توزیع قدرت ساختارهای سیاسی، دیپلماسی انرژی موضوعی است که در ذات خود در حوزه اقتصاد سیاسی داخلی و بین‌المللی تعریف شده است (Gudynas, 2007) که تدوین آن به دلیل تعهداتی که برای بخش‌های مختلف سیاسی - اقتصادی ایجاد می‌کند از عهده یک سازمان یا نهاد خارج بوده و نیازمند همکاری فرابخشی داخلی و بین‌المللی است. در این راستا به منظور ایجاد تعامل میان نهادهای مرتبط با مراکز عالی نظام سیاسی برای تعیین اهداف و اولویت‌های سیاسی - امنیتی، شاخص‌های منافع ملی و همچنین برای شکل‌گیری همکاری میان مراکز مرتبط با اداره و اجرای سیاست خارجی و نیز مراکز مرتبط با جنبه‌های مختلف انرژی با یکدیگر به منظور تدوین «دیپلماسی انرژی» کشور، تشکیل نهادی فرابخشی برای تدوین استراتژی مورد نیاز، ضروری می‌باشد (Alexandrov, 2010). در جمهوری اسلامی ایران ضروری است که چنین تشکلی در سطح عالی تصمیم‌گیری نظام سیاسی و تحت نظارت عالی‌ترین مقام مملکتی برگزار شود. پس از تدوین چارچوب‌های کلان «دیپلماسی انرژی» در سطح عالی، مراکز مطالعاتی زیرمجموعه نهادها، می‌توانند در تدوین سیاست‌های انرژی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با کشورهای دیگر به طور خاص اقدام کند (جوکار، ۱۳۹۰: ۴).

دیپلماسی انرژی به خصوص در حوزه گازی را می‌توان بخشی از سیاست کلان انرژی جمهوری اسلامی ایران دانست. این امر زمینه‌های لازم برای حفظ و افزایش سهم این کشور در بازار اقتصاد جهانی را فراهم می‌آورد. علاوه بر آن، دیپلماسی انرژی می‌تواند زمینه‌های لازم

برای ظرفیت‌سازی اقتصادی و اجرای طرح‌های توسعه در صنعت گاز را فراهم سازد. این امر به مفهوم آن است که افزایش درآمد گاز یکی از راه‌های توسعه اقتصاد جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. از سوی دیگر به هر میزان که ظرفیت‌سازی برای افزایش صادرات کالاهای اقتصادی فراهم گردد، طبعا جلوه‌هایی از همکاری‌های چندجانبه در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی نیز به وجود می‌آید. به این ترتیب افزایش قابلیت‌های اقتصادی ایران را می‌توان به عنوان یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر ساختار سیاسی، اقتصادی و امنیتی دانست. به عبارت دیگر، اگر دیپلماسی انرژی به افزایش درآمدهای ملی جمهوری اسلامی ایران منجر شود در آن شرایط زمینه عبور از تهدیدهای چندجانبه بین‌المللی و منطقه‌ای اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. تحقق چنین هدفی در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است (متقی، ۱۳۹۰: ۶). این امر در شرایطی حاصل می‌شود که شناخت کاملی از منابع اقتصادی کشور وجود داشته باشد. به این ترتیب، دیپلماسی انرژی را می‌توان گامی موثر در جهت شناخت کامل منابع، افزایش ظرفیت تولید صیانت شده منابع انرژی و توسعه فناوری در زمینه منابع و صنایع انرژی به خصوص در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی دانست (خادم، ۱۳۸۵: ۵۴).

دیپلماسی انرژی پاسخی به تهدیدها و محدودیت‌های ژئوپلیتیک ایران محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان از طریق تحرک دیپلماتیک، برنامه‌ریزی اقتصادی، ارتقای قابلیت‌های فنی و بهره‌گیری از منابع اقتصادی، زمینه‌های لازم برای فعال‌سازی دیپلماسی انرژی را فراهم آورد. این امر نیازمند بهره‌گیری از هنجارهای توسعه راه در حوزه اقتصاد منطقه‌ای و بین‌المللی است. کشورهایی که در صدد بهینه‌سازی قابلیت‌های اقتصادی خود هستند، از الگوی انعطاف‌پذیر و مصالحه‌گرا در ارتباط با سیاست خارجی بهره می‌گیرند. این امر را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین مفروض دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی، اقتصادی و امنیتی کشورها دانست (ثقفی عامری، ۱۳۷۳: ۱۳۸).

۲. چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای و بین‌المللی به موازات چندجانبه‌گرایی درون ساختاری

به موازات حضور همه بخش‌های داخلی در موضوع دیپلماسی انرژی، بایستی به همکاری با سایر کشورها در قالب سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز توجه داشت. پیگیری موضوع دیپلماسی انرژی نیازمند مشارکت با کشورهای منطقه، قدرت‌های بزرگ،

شرکت‌های چندملیتی، بازارهای منطقه‌ای و جهانی است. هر یک از کشورها، شرکت‌ها و سازمان‌های یاد شده نقش تفکیک شده‌ای در ارتباط با دیپلماسی انرژی ایفا می‌نمایند (متقی، ۱۳۹۰: ۱۳). به طور کلی پیگیری دیپلماسی انرژی نیازمند ایجاد زیرساخت‌هایی است که امکان مشارکت و همکاری چندین بازیگر را امکان‌پذیر می‌سازد. اتخاذ دیپلماسی انرژی صحیح، همان قدر می‌تواند به ارتقای جایگاه ملی و بین‌المللی ایران و حضور فعال آن در عرصه جهانی بیانجامد که کم توجهی به آن می‌تواند بازماندگی از مسیر توسعه و قدرت‌یابی را به همراه داشته باشد. باید توجه داشت، کشورهایی که در قالب یک سازمان قرار می‌گیرند در سطحی از وابستگی متقابل قرار دارند. این مطلب در صورتی اهمیت می‌یابد که کشوری به دلیل داشتن شرایطی خاص، بیش از اینکه تاثیرگذاری داشته باشد، متاثر از رفتارهای دیگر بازیگران خواهد بود. درک این وابستگی برای جمهوری اسلامی ایران از این جهت مهم است که با شناخت صحیح از حضور در یک سازمان منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای، ضمن پیگیری منافع خود از پرداخت هزینه‌های غیرضروری خودداری شود. به واقع هدف از دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در هر سازمانی باید بهره‌برداری از فرصت‌ها و به حداکثر رساندن منافع از یک سو و رفع تهدیدها و به حداقل رساندن آسیب‌ها از سوی دیگر باشد.

اهداف جمهوری اسلامی ایران از تشکیل و فعال کردن مجمع کشورهای صادرکننده گاز

نیاز کشورهای جهان به منابع انرژی در کنار ذخایر عظیم گاز طبیعی در کشور، صحنه اقتصادی سیاسی وسیعی را به سوی جمهوری اسلامی ایران می‌گشاید و اهمیت استراتژیک ویژه‌ای را به منابع گازی آن می‌بخشد. تحولات بازار جهانی انرژی در سال‌های اخیر، تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده گاز را بین کشورهای اصلی تولیدکننده گاز به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل نموده بود. نیازهای روبه رشد کشورهای مصرف‌کننده انرژی و اضافه شدن کشورهای در حال توسعه به متقاضیان انرژی و شرایط ویژه بازار گاز طبیعی موجب گردیده که کشورهای تولیدکننده گاز در مذاکرات خود با خریداران، با چالشی قابل توجه روبه‌رو شوند. قیمت‌گذاری گاز طبیعی و خرید و فروش آن بر مبنای توافق‌های دوجانبه خریدار و فروشنده، بدون توجه به وضعیت بازار، سبب شده است، عرضه‌کنندگان آن در

مذاکرات خود برای بازاریابی و فروش گاز با مشکل روبه‌رو شوند که شکل‌گیری مجمع کشورهای صادرکننده گاز را می‌توان پاسخی به نیازها و خلاءهای موجود در بازار جهانی گاز دانست، چرا که رقابت‌های منفی موجود میان کشورهای صادرکننده گاز در سال‌های گذشته، تنها به نفع مصرف‌کنندگان تمام شده است که از آن جمله می‌توان به قیمت‌های پایین خرید گاز اشاره کرد.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهداف سیاسی و اقتصادی و فشارهای ناشی از تحریم‌های سیاسی و اقتصادی بین‌المللی سعی دارد با گسترش حضور در بازار انرژی، خود را از انزوا برهاند و از طریق صادرات گاز ضمن کسب درآمد، منابع درآمد ارزی خود را متنوع نماید. همچنین پیوند اقتصادی ایران با اقتصاد دیگر کشورها باعث ایجاد پیوندهای بیشتر امنیتی با کشورهای منطقه‌ای و جهانی شده و باعث افزایش امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌شود. در نتیجه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استفاده از موقعیت‌های به وجود آمده، جایگاه خود را در منطقه ارتقا دهد و در معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای تأثیرگذار باشد.

۱. مقابله با تحریم‌های اعمالی از سوی غرب

بدون تردید آنچه دیپلماسی یک کشور را در عرصه‌های مختلف آن معنادار و موثر می‌سازد، برخورداری از ارتباط و تعامل با دیگر بازیگران در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. این ارتباطات به‌منزله فضای تنفسی برای یک موجود زنده است. در عرصه دیپلماسی انرژی نیز وضعیت به همین گونه است (اسلامی، ۹۱: ۲۰۰). اعمال فشارهای تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران به ویژه در زمینه انرژی، تهدید بزرگی برای کشور محسوب می‌شود. یکی از عوامل موثر حضور فعال ایران در فعالیت‌های منطقه‌ای و شرکت در سازمان‌های مربوطه، تأثیری است که بر روابط جمهوری اسلامی ایران با آمریکا و نیز تلاش آمریکا برای فشار و اعمال انزوا و تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران داشته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رویکرد تقابلی جایگزین رویکرد همکاری میان دو کشور گردید. دولت وقت آمریکا در سال‌های اول پیروزی انقلاب در اجرای تحریم‌های اقتصادی، علاوه بر قطع صادرات آمریکا به جمهوری اسلامی ایران که شامل قطعات یدکی خریداری شده بود، بلوکه شدن مبلغ ۸ میلیارد دلار ذخایر و سپرده‌های ارزی جمهوری اسلامی ایران در آمریکا را نیز اعلام

کرد (Shirin, 1990:64). بعد از جنگ تحمیلی نیز آمریکا و متحدان آن کم و بیش سیاست‌های قبلی خود را ادامه دادند. سیاست مهار دوجانبه که شامل تحریم‌های اقتصادی گوناگونی علیه جمهوری اسلامی ایران و عراق می‌گردید، هدف اصلی خود را مهار هم‌زمان ایران و عراق از طریق محاصره اقتصادی و فناوری و تسلط کامل آمریکا بر منطقه استراتژیک خلیج فارس از طریق انزوای بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و عراق قرار داده بود. از این رو، اعمال سیاست مهار، منجر به تشدید محدودیت‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران گردید (اخوان زنجانی، ۱۳۷۶: ۷۲). در ادامه اقدامات خصمانه ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران، مجلس سنای آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۶، اعتبار قانون تحریم شرکت‌های خارجی که در بخش انرژی جمهوری اسلامی ایران سرمایه‌گذاری نموده و یا به این کشور تسلیحات بفروشند را به مدت پنج سال دیگر تمدید کرد. در ویرایش جدید این سند، شرکت‌های خارجی که تسلیحات معمولی نوین شده را به جمهوری اسلامی ایران عرضه می‌کنند نیز از این پس، مشمول تحریم خواهند شد. همچنین سند یاد شده، قانون «تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران و لیبی» که در سال ۱۹۹۶ تصویب شد را تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ تمدید کرد (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۱). به طور کلی، آمریکایی‌ها دو سیاست عمده را پس از پیروزی انقلاب اسلامی علیه این کشور به کار برده‌اند؛ نخست، استفاده از تحریم، سپس فشار برای منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران. تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب هر روز گسترده‌تر شده است. در سال‌های اخیر به ویژه پس از تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل از سال ۲۰۰۶ به بعد، تحریم‌های یک‌جانبه و سخت‌تری از طرف آمریکا و اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال گردیده است. در مورد منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران نیز آمریکایی‌ها سیاست‌های متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند که از جمله می‌توان به منع دولت ایران از انجام معاملات مالی رسمی، ایجاد اشکال در پرداخت‌های خارجی به ایران، جلوگیری از مشارکت دیگر کشورها در طرح‌های مشترک سرمایه‌گذاری، اعمال فشار به دولت‌های دیگر در جهت تقلیل روابط اقتصادی و سیاسی خود با جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. در مقابل برای بی اثر کردن این اقدامات، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده تا روابط خود را با سایر کشورها گسترش دهد و با حضور فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فرصت‌هایی را برای خود ایجاد نماید. به نظر می‌رسد، کوشش در جهت تشکیل مجمع گازی نیز در همین چارچوب قابل تحلیل

باشد؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران از یک طرف، مصرف‌کننده و واردکننده گاز است و از طرف دیگر برای حضور موثر در بازارهای بین‌المللی گاز با محدودیت‌های بین‌المللی مواجه است.

۲. حضور در بازارهای گاز منطقه‌ای و جهانی

هدف جمهوری اسلامی ایران در زمینه ایجاد و شکل‌دهی به مجمع گاز، بهره‌برداری از ذخایر عظیم گازی و نیاز به جذب سرمایه در این بخش و همچنین تلاش برای حضور در بازارهای گازی منطقه بوده است. جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند از طریق حضور فعال در مجمع گاز و ارتباط با بازیگران موثر گازی بتواند حضور بیشتر و تاثیرگذارتر در عرصه تجارت گاز داشته باشد؛ ولی به رغم دارا بودن جایگاه دوم در منابع گاز (۱۵/۹ درصد از منابع گازی جهان در اختیار جمهوری اسلامی ایران است) جمهوری اسلامی ایران هنوز واردکننده گاز محسوب می‌شود و دارای نقش چندانی در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی گاز نیست. جمهوری اسلامی ایران در بازار صادراتی گاز دنیا سهمی نزدیک به صفر دارد. صادرات گاز جمهوری اسلامی ایران با خط لوله تنها به ترکیه انجام می‌شود و در مورد گاز مایع نیز هنوز تولید و صادراتی ندارد (پوراحمدی، ۱۳۹۰: ۲۹).

پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که ذخایر جهانی گاز طبیعی به میزانی است که با روند کنونی مصرف، تا بیش از ۶۰ سال دیگر گاز برای تولید وجود خواهد داشت.

بر طبق جدول زیر حدود ۳۵ درصد از ذخایر گازی جهان در منطقه خاورمیانه قرار دارد که در این بین سهم جمهوری اسلامی ایران ۱۵/۹ درصد، قطر ۱۲ درصد، عربستان ۳/۹ درصد و امارات ۲/۹ درصد بوده است.

جدول ۱-۱ ذخایر گازی جهان در پایان ۲۰۱۱ میلادی

نام کشور	حجم ذخیره (تریلیون متر مکعب)	سهم (درصد)
روسیه	۴۴/۶	۲۱/۴
ایران	۳۳/۱	۱۵/۹
قطر	۲۵	۱۲
عربستان	۸/۲	۳/۹
آمریکا	۸/۵	۴/۱
امارات	۶/۱	۲/۹
نیجریه	۵/۱	۲/۵
ونزوئلا	۵/۵	۲/۷
الجزایر	۴/۵	۲/۲
ترکمنستان	۲۴/۳	۱۱/۷
مالزی	۲/۴	۱/۲
مصر	۲/۲	۱/۱
لیبی	۱/۵	۰/۷
بولیوی	۰/۳	۰/۱
عمان	۰/۹	۰/۵
ترینیداد و توباگو	۰/۴	۰/۲
سایر کشورها	۳۴/۵	۱۶/۸
برونئی	۰/۳	۰/۱
جهان	۲۰۸/۴	۱۰۰

Source: Energy Information Administration: World Proved Natural Gas Reserves; October 2012

در مقایسه با حجم بسیار عظیم ذخایر گازی و قرار داشتن جمهوری اسلامی ایران در رتبه دوم ذخایر گازی جهان، تولید گاز طبیعی و صادرات آن بسیار محدود است. در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران تنها ۱۰/۶ میلیارد متر مکعب گاز از طریق خط لوله صادر می کند که از این حیث، رتبه بیستم دنیا را در اختیار دارد؛ لذا با توجه به روندهای موجود و اشباع شدن بازارهای مصرف توسط سایر دارندگان گاز در جهان جمهوری اسلامی ایران نیاز به برنامه‌ای جامع برای حضور در بازارهای منطقه‌ای و جهانی دارد. بعضی برآوردها نشان می‌دهد این کشور به حدود ۸۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بخش صنعت گاز خود نیازمند است تا بتواند زیرساخت‌های لازم را برای این بخش به وجود آورد (Truscot, 2009:42-43).

جمهوری اسلامی ایران به خوبی از اهمیت انرژی در بازارهای بین‌الملل کنونی و آتی آگاه است. بهره‌گیری از ابزار متمرکز انرژی در ژئوپلیتیک خاص و قرار گرفتن در منطقه انرژی دریای خزر تا خلیج فارس به همراه ظرفیت ژئوپلیتیک در مسیرهای انتقال انرژی به بازارهای مصرف، سبب شده که جمهوری اسلامی ایران این ظرفیت را داشته باشد که در صورت حضور در بازارهای منطقه‌ای و نیز اروپایی بتواند به هدف مهم دیگری دست یابد که آن عبارت از افزایش درآمدهای ارزی حاصل از فروش گاز است که از طریق تفاهم در مورد قیمت گاز یا چگونگی محاسبه آن در چارچوب مجمع گاز امکان‌پذیر خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران، سال‌ها است که تلاش می‌کند، منابع درآمدی خود را متنوع‌تر نماید. گاز و صادرات آن می‌تواند گزینه مناسبی در این راه باشد (پورحسین، ۱۳۸۵: ۲۶). اگرچه محدودیت توان فنی جمهوری اسلامی ایران برای افزایش تولید انرژی سبب شده که جمهوری اسلامی ایران بر خلاف کشورهای چو قطر و روسیه (در حیطه گاز) و عربستان و عراق (در حوزه نفت) نتواند استراتژی افزایش تولید را برای افزایش درآمد از طریق انرژی در پیش بگیرد (Bahgat, 2009)؛ اما طبیعی است که اثرات مجمع گاز بر تصحیح فرمول قیمت گاز در قراردادهای خرید و فروش گاز و افزایش احتمالی قیمت گاز می‌تواند اثرات مهمی بر درآمدهای گازی جمهوری اسلامی ایران و رشد آن داشته باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۰۶). در مورد تولید و مصرف و صادرات گاز جمهوری اسلامی ایران نکات زیر حائز اهمیت است:

- تولید گاز کشور با اجرایی شدن پروژه‌های گوناگون رو به رشد است، ولی مصرف داخلی نیز با سرعت رشد کرده و عملاً کلیه تولید داخلی گاز به مصرف داخلی (خانگی، صنعتی، تولید برق و تزریق به چاه‌های نفت) می‌رسد؛

- صادرات گاز به ترکیه در عمل به واسطه واردات رو به رشد گاز از ترکمنستان امکان پذیر بوده است،
- مصرف خانگی گاز به صورت فصلی در نوسان است و امکان ارائه گاز به بخش‌های غیرخانگی بستگی مستقیم به سطح مصرف خانگی دارد به گونه‌ای که در ماه‌های سرد زمستان گاز نیروگاه‌ها قطع شده و این واحدها از سوخت‌های جایگزین استفاده می‌کنند (ملکی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

۳. ارتقای سطح روابط با روسیه و قطر

هدف سوم در تشکیل و فعال کردن همکاری‌های گازی، امکاناتی است که جمهوری اسلامی ایران از مستحکم‌تر کردن روابط خود با دو کشور روسیه و قطر به عنوان دو عضو موثر و فعال این مجمع به دست می‌آورد. ایجاد سازمان کشورهای صادرکننده گاز می‌تواند امکان همکاری با سایر صادرکنندگان گاز در زمینه فناوری را در قالب توافق‌های درون‌سازمانی فراهم آورد و نیاز به فناوری کشورهای غربی برای توسعه میدین گازی، ایجاد واحدهای تولید گاز مایع و صادرات گاز را کاهش دهد. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند همکاری خوبی در زمینه گاز مایع با الجزایر و قطر و نیز در زمینه توسعه میدین با روسیه داشته باشد.

روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه پس از انقلاب و به ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی و تغییر رویکرد جمهوری اسلامی ایران و چرخش به سمت شرق گسترده‌تر و عمیق‌تر شده است. این تغییر در سیاست خارجی ایران و اهمیت یافتن بیشتر منطقه خاورمیانه در سیاست خارجی روسیه با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین، باعث گسترش بیشتر روابط دو کشور شد. جلوگیری از فشارهای آمریکا برای منزوی ساختن جمهوری اسلامی ایران و روسیه، دستیابی به قدرت مانور بیشتر در سطح بین‌المللی با همکاری‌های دولت‌های مستقل یا ناراضی از وضع موجود و جلوگیری از گسترش ناتو از مهم‌ترین موضوعات مشترک در حوزه سیاست خارجی دو کشور است.

باید به این نکته نیز اشاره داشت که مهم‌ترین هزینه تشکیل مجمع گازی برای جمهوری اسلامی ایران، کنترل روسیه بر آن و جهت‌دهی به این سازمان در جهت منافع مسکو است. حضور روسیه در این سازمان، از یک طرف می‌تواند مانند عربستان در اوپک، در

جهت‌دهی به سیاست‌های سازمان به ویژه در موارد اضطراری برای جمهوری اسلامی ایران هزینه‌آور باشد، اما از طرف دیگر، حضور روسیه قدرتمند در مجمع کشورهای صادرکننده گاز یک امتیاز محسوب می‌شود و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از رهگذر رابطه مستحکم با این کشور، از موقعیت بهتری بهره‌مند شود و قدرت چانه‌زنی بالاتری در مقابل سایر کشورها بدست آورد. به هر حال، همکاری‌های تهران و مسکو در بیست سال اخیر در عرصه‌های گوناگون با وجود برخی محدودیت‌ها، جریان داشته و به ویژه در حوزه‌های امنیتی و دفاعی، جدی‌تر شده است. حضور این دو در مجمع کشورهای صادرکننده گاز به عنوان دو کشور اول دارنده منابع گازی در جهان می‌تواند علاوه بر افزایش وزن مجمع، برای جمهوری اسلامی ایران پیامدهای مثبتی همچون نزدیکی بیشتر روابط با روسیه را در پی داشته باشد که می‌تواند در جلوگیری از انزوای تحمیلی، یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و مسایل امنیتی و سایر مسایل منطقه‌ای مورد علاقه طرفین، نقش ایفا نماید.

روابط جمهوری اسلامی ایران و قطر را نیز می‌توان در دو حوزه مسایل سیاسی و اقتصادی، مورد توجه قرار داد. با توجه به رقابت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی که در سال‌های اخیر نیز تشدید شده و همچنین بعضی نگرانی‌ها و رقابت‌های قطر با ریاض، حاکمان قطر روابط با ایران را به عنوان فرصتی برای موازنه قدرت در قبال عربستان سعودی، تلقی می‌کنند. رابط نزدیک‌تر با قطر با توجه به نقش این کشور در منطقه و رابطه آن با کشورهای غربی و قدرت مانوری که در ارتباط با بحران‌های منطقه‌ای نشان داده است، همواره قابل توجه بوده است.

در نتیجه جمهوری اسلامی ایران بسیاری از اقدامات و رفتارهای قطر از جمله میزبانی نیروهای آمریکایی و روابط با رژیم صهیونیستی را کمتر مورد تأکید قرار می‌دهد و قطر نیز سعی می‌کند در مورد جمهوری اسلامی ایران و مسایل منطقه‌ای مرتبط با آن مانند مسأله هسته‌ای و حمایت از گروه‌های ضد رژیم صهیونیستی، موضع مثبتی داشته باشد (isrjournals.ir). به عنوان مثال در زمینه سیاسی، قطر طی سالیان اخیر همواره از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران حمایت کرده است. در عرصه اقتصادی، روابط دو کشور با محدودیت‌هایی همراه است. صادرات ایران به قطر در میان شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس رتبه چهارم را دارد که ۹۱ میلیون دلار از مجموع ۳۰۴۷ میلیون دلار را شامل می‌شود. واردات جمهوری اسلامی ایران از قطر هم رتبه ششم در میان اعضای شورای

همکاری خلیج فارس را دارد که ۲۹ میلیون دلار از مجموع ۱۳۹۰۰ میلیون دلار را در برمی‌گیرد. این آمار نشان دهنده مراودات اقتصادی پایین بین دو کشور در مقابل حجم بالای روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهایی مانند امارات متحده عربی در حوزه خلیج فارس است (isrjournals.ir). با این ملاحظات، گسترش روابط با قطر مورد توجه جمهوری اسلامی ایران است. به طور خلاصه، نزدیکی بیشتر جمهوری اسلامی ایران و قطر می‌تواند به نقشی که جمهوری اسلامی ایران در پی ایفای آن بوده است، کمک نماید و روابط گسترده‌تر و داشتن روابط با کشوری با سیاست‌های متفاوت از دیگر کشورهای عربی منطقه خلیج فارس می‌تواند، مطلوب باشد.

روند شکل‌گیری مجمع کشورهای صادرکننده گاز و اهداف آن

ایده تشکیل مجمعی از کشورهای گازی از زمان آغاز مناقشات بین روسیه - اوکراین و قطع جریان گاز به اروپا مطرح شده بود، اما به دلایل مخالفت‌های بسیار در هاله‌ای از ابهام فرو رفت. در این میان، روسیه به عنوان بزرگترین دارنده ذخایر گاز در جهان همواره سعی می‌کرد که تلاش برای ایجاد چنین سازمانی را تکذیب کند (دهقانی، ۱۳۸۵: ۳)، تا اینکه در سال ۲۰۰۱ و با پیشنهاد مطرح شده از سوی ایران، ۱۱ کشور در ماه می ۲۰۰۱ در تهران گرد هم آمدند و تصمیم به ایجاد مجمع کشورهای صادرکننده گاز گرفتند. در این اجلاس وزرای انرژی الجزایر، بروئی، ایران، اندونزی، مالزی، نیجریه، عمان، قطر، روسیه، نروژ و ترکمنستان شرکت داشتند (مهری‌پرگو، ۱۳۸۶: ۳).

الف) اهداف مجمع کشورهای صادرکننده گاز

براساس سندی که در اجلاس مارس ۲۰۰۱ به وسیله شرکت‌کنندگان پیشنهاد گردید و به عنوان منشوری برای مجمع در کنفرانس وزرا در تهران مورد تأیید قرار گرفت، اهداف زیر برای مجمع در نظر گرفته شد:

الف) میدان دادن به مفهوم دو طرفه بودن با حمایت از گفتگو میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و دولت و صنایع مرتبط با انرژی؛

ب) تنظیم برنامه‌ای برای حمایت از مطالعه و مبادله دیدگاه‌ها؛

ج) تشویق و ترغیب یک بازار پایدار و شفاف (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۴۰).

در هر حال شکل‌گیری چنین سازمانی می‌توانست راه‌کار مناسبی برای پر کردن خلا عدم وجود هماهنگی ساختاری در بازار جهانی گاز باشد. عاملی که به نظر بعضی کارشناسان یکی از دلایل اصلی نازل بودن قیمت گاز است و این سازمان بر اساس اساسنامه می‌تواند با ایجاد هماهنگی در سیاست‌های کشورهای عضو جهت کسب منافع حداکثری و جلوگیری از رقابت‌های غیرضروری، یاری رساند.

ب) اجلاس وزرای مجمع کشورهای صادرکننده گاز

از سال ۲۰۰۱ میلادی که این مجمع شکل گرفته است، تاکنون یازده اجلاس در سطح وزرا برگزار گردیده است. جمهوری اسلامی ایران در همه اجلاس‌های برگزار شده شرکت داشته است و بحث شکل‌گیری مجمع برای جمهوری اسلامی ایران به آن اندازه مهم بوده که در بحث دبیرکلی و تعیین محل استقرار دبیرخانه از رقابت با روسیه و قطر صرف‌نظر کرد تا رقابت بر سر این دو موضوع در ایجاد این مجمع، خللی وارد ننماید.

ج) موانع دستیابی جمهوری اسلامی ایران به اهداف خود

با تمام تلاش‌هایی که جمهوری اسلامی ایران برای شکل‌گیری مجمع گاز انجام داد اما خود در زمینه دیپلماسی انرژی دارای محدودیت‌هایی است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

د) صادرات گاز یا استفاده در داخل

با توجه به اهدافی که اعضای مجمع کشورهای صادرکننده گاز در راستای ارتباط با فعالیت‌های بین‌المللی گاز و تسهیل شرایط بازار برای این سازمان مشخص کرده‌اند، جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند با ادامه این روند در بازارهای بین‌المللی حضور فعالی داشته باشد و به نظر می‌رسد در آینده نزدیک تنها بتواند به صادرات محدود گاز خود از طریق خط لوله به بعضی از همسایگان چون پاکستان، ارمنستان و نیز برخی از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بپردازد. اضافه بر این هنوز در داخل جمهوری اسلامی ایران در زمینه صادرات گاز نظرات متفاوت و در برخی موارد بسیار ضد و نقیضی وجود دارد. مخالفان صادرات گاز دلایل مختلفی را در این زمینه ذکر می‌کنند که از جمله این دلایل می‌توان به تزریق گاز به میادین

نفتی جهت افزایش ضریب بازیافت و صیانت از مخازن به صرفه بودن مصرف داخلی در مقایسه با صادرات، عدم خام فروشی و تشویق به احداث پالایشگاه جهت فرآورده فروشی اشاره کرد. آنها معتقد هستند در حالی که در تأمین گاز مورد نیاز کشور با مشکل مواجه هستیم، صادرات گاز امنیت ایران را نیز تهدید می‌کند. همچنین به عقیده بسیاری از کارشناسان شرکت نفت، تزریق گاز به میادین نفتی امری بسیار ضروری به شمار می‌رود. براساس مطالعات فنی و مهندسی مخازن، با توجه به نوع مخازن هیدروکربوری کشور تزریق گاز اصلی‌ترین روش دستیابی به حداکثر بازیافت ممکن نفت از مخازن کشور در سال‌های آینده می‌باشد (زرینی: ۱۳-۱۴). مخالفان صادرات گاز، معتقد می‌باشند در شرایطی که کمبود گاز در مصارف داخلی، نیروگاه‌ها، تأمین گاز صنایع و به ویژه تزریق به چاه‌های نفتی محسوس است و در عین حال، افزایش تولید گاز به لحاظ شرایط خاص ایران و کمبود سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نیست، صادرات گاز به ضرر کشور و منافع ملی خواهد بود. این گروه بر این باور هستند که در جهان کنونی، صادرات گاز به مثابه صادرات توسعه است. در واقع، کشورهای دیگر با تأمین انرژی ارزان، توسعه اقتصادی خود را تسریع می‌کنند که این امر ممکن است با منافع اقتصادی کشورمان در منطقه و جهان در تضاد باشد. مخالفان همچنین معتقد می‌باشند وقتی می‌توان گاز تولیدی را در صنایع گازبر استفاده کرد - که ارزش افزوده بالایی هم به همراه دارد - صادرات گاز منطقی نیست (قربان، ۱۳۸۶).

این در حالی است که عده‌ای دیگر عدم صادرات گاز را اصولاً به صلاح کشور ندانسته، آن را محروم کردن کشور از درآمد ارزی زیادی می‌دانند و نقش امنیتی - سیاسی آن را نادیده می‌گیرند. موافقان صادرات گاز معتقد می‌باشند، اگر ۵ درصد ذخایر گاز ایران را به صادرات اختصاص دهیم، علاوه بر حفظ ارزش اقتصادی، استراتژیک و سیاسی آن، هدف سند چشم‌انداز نیز تأمین خواهد شد. صادرات گاز به شبه قاره هند نیز در صورت عملی شدن همه برنامه‌ها، حدود ۴۰ میلیارد مترمکعب در سال خواهد بود که کمتر از یک سوم هدف سند چشم‌انداز می‌باشد. به طور کلی، اگر تا ۲۰۲۰ بتوانیم واردات از ترکمنستان را به ۳۰ میلیارد مترمکعب در سال و صادرات به شبه قاره هند، اروپا، ترکیه و ارمنستان را به ۸۰ میلیارد مترمکعب برسانیم و صادرات گاز مایع، نیز به ۲۵ هزار تن در سال بالغ شود، به مهم‌ترین هدف سند چشم‌انداز در این زمینه دست خواهیم یافت. در ضمن، اگر امروز اقدام نکنیم، معلوم نیست که این بازار در آینده نیز به روی ما باز باشد (قربان، ۱۳۸۶).

اختلاف در اهداف بازیگران اصلی مجمع کشورهای صادرکننده گاز

۱. روسیه

روسیه بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز در جهان است و در حدود ۲۱/۴ درصد از ذخایر ثابت شده گاز دنیا را در اختیار دارد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۹۰). با این حجم از ذخایر در بلند مدت روسیه می‌تواند نقش حیاتی در بازار گاز ایفا نماید و با داشتن قدرتی بالقوه در کسب منافع به واسطه موقعیت برجسته‌اش در بازار، واسطه‌گری قیمتی میان بازارهای شرق و غرب را برعهده گیرد. وابستگی اروپا به گاز روسیه، مزیت‌های بسیار زیادی را برای این کشور ایجاد کرده است. همین امر روسیه را از مطرح شدن رقیب جدی دیگر در بازار اروپا ناخرسند کرده و موجب می‌شود در جهت حفظ انحصار موجود، سیاست‌هایی را در پیش گیرد (مه‌ری‌پرگو، ۱۳۸۶: ۱۷). روسیه با در دست گرفتن انحصار صادرات گاز به اروپا و با ایفای نقش رهبری و نظارت بر این مجمع، می‌تواند ورود سایر صادرکنندگان گاز به این منطقه را تحت کنترل خود درآورد و همچنان از جایگاه برتر خود در امنیت انرژی اروپا در راستای تحقق منافع ملی‌اش بهره‌مند شود (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۹۱). از همین رو، روسیه هیچ تمایلی به عضویت کشورهای آسیای مرکزی در مجمع گاز ندارد. بنابراین، هدف اصلی روسیه از هرگونه مشارکت در تشکیل مجمع کشورهای صادرکننده گاز به احتمال زیاد ممانعت از حضور سایر صادرکنندگان در بازار گاز اروپا و دور نگه داشتن صادرات گاز خود از رقابت با سایر صادرکنندگان در بازار اروپا است (همان، ۹۹). تلاش برای تقسیم بندی بازارهای مصرف‌کننده عمده گاز دنیا، دریافت اطلاعات و تعدیل حجم گاز صادراتی کشورهای عضو مجمع، تنظیم زمان بندی طرح‌های صادراتی و هماهنگ‌سازی برنامه‌های سرمایه‌گذاری در میادین جدید و بهره‌برداری از میادین گازی و شبکه خطوط انتقال از جمله مهم‌ترین اهداف دیگری است که روسیه از طریق مجمع کشورهای صادرکننده گاز دنبال خواهد کرد.

۲. قطر

قطر به عنوان بزرگ‌ترین تولید کننده گاز مایع مطرح است، نه تنها در عرصه نظری عضو مناسبی برای مجمع گاز به شمار می‌رود، بلکه می‌تواند به عنوان تولیدکننده شناور نیز

در این مجمع ایفای نقش کند (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۹۹). هدف اصلی قطر از پیوستن به مجمع کشورهای صادرکننده گاز، اقتصادی است و به دنبال کسب بازارهای بهتر می‌باشد. وزیر نفت قطر در اجلاس دوحه در سال ۲۰۰۳ بیان نمود که هدف ما از این مجمع ظهور کارتلی همانند نفت نیست، زیرا برخلاف نفت که به صورت روزانه تعیین قیمت می‌شود، قراردادهای صدور گاز بلند مدت خواهد بود و به سادگی قابل فسخ یا تجدید نظر نیست. این امر بیان‌کننده نگرش قطر در برطرف نمودن نگرانی‌های کشورهای است که سازماندهی کشورهای گازی را در یک مجمع، تهدیدی علیه امنیت خود می‌پندارند. نکته دیگر در مورد قطر، این است که از نظر قطر، مجمع گاز درصدد کنترل قیمت‌های گاز از طریق محدودسازی تولید نمی‌باشد (Wagbara, 2005: 4-11). گودت باهگات^۱ در مقاله "دورنمای یک اوپک گازی" عنوان می‌کند که قطر در مورد هدف از شرکت در یک اوپک گازی موضعی متفاوت نسبت به دیگر اعضا دارد. این امیرنشین خلیج فارس هم از لحاظ جهت‌گیری‌های سیاست خارجی و نیز تعریف منافع خود در استراتژی گازی، تفاوت زیادی با روسیه و جمهوری اسلامی ایران دارد. قطر هم اکنون از لحاظ مایع سازی گاز دارای ظرفیت مناسبی است و مایل نیست که تصمیمات مجمع گاز سبب کاهش درآمدهای حاصل از فروش گاز این کشور شود و همچنین با استفاده سیاسی از این مجمع مخالف است (Bahgat, 2009). از طرفی، قطر به علت منافع تجاری گسترده‌ای که با کشورهای غربی به ویژه آمریکا دارد، هیچ الزام و دلیلی برای به کارگیری قدرت انرژی خود علیه آن‌ها نمی‌بیند. تلاش برای حفظ پیوندها و کسب حمایت قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای، به خصوص آمریکا، یکی از ابعاد اصلی سیاست خارجی قطر است.

۳. جمهوری اسلامی ایران

مجمع کشورهای صادرکننده گاز در چارچوب اساسنامه خود به تبادل اطلاعات و انتقال فناوری و انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک پیرامون گاز پرداخته است تا از این طریق کشورهای صادرکننده بتوانند به روش‌ها و سازوکارهای بهتر و پویاتری در زمینه سرمایه‌گذاری، توسعه فناوری استخراج و بهره‌برداری گاز و عرضه مستمر و اقتصادی آن دست یابد (کاظم‌پور اردبیلی، ۱۳۸۶: ۶). با توجه به این امر به عقیده بسیاری از کارشناسان،

^۱.Gawdat Bahgat

وجود مجمع گاز برای سیاست‌گذاری صادرات گاز است و در قالب آن می‌توان با مبادله فناوری، هزینه تولید گاز را کاهش داد (پوراحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲). این نشان‌دهنده اهداف اقتصادی این مجمع است. با این وجود جمهوری اسلامی ایران، سیاسی‌ترین موضع را نسبت به این امر اقتصادی دارد. به طور کلی، استراتژی ایران در مورد شکل‌گیری این مجمع را باید در چارچوب استراتژی کلان انرژی این کشور دید (Bahgat, 2009). جمهوری اسلامی ایران در وضعیت فشارهای سیاسی و بین‌المللی به ویژه تنش بر سر فعالیت‌های هسته‌ای خود قرار دارد و موضوع عضویت در مجمع گاز و احتمال استفاده سیاسی از ابزار انرژی، باعث حساسیت‌های بیشتر غربی‌ها و احتمال فشارهای بیشتر از سوی این کشورها علیه ایران، خواهد شد. این عامل زمانی قابل لمس‌تر خواهد بود که به این نکته توجه کنیم که بخش گاز ایران در مقایسه با روسیه و قطر به اندازه کافی توسعه یافته نیست و با کمبود توان مالی، فنی- فناوری و ظرفیت تولید روبه‌رو است. بالا رفتن ریسک سیاسی کشورهای تولیدکننده گاز نیز باعث از بین رفتن میل سرمایه‌گذاران جهانی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های گازی این کشورها شده و با توجه به عدم توان مالی این کشورها برای تامین مالی پروژه‌های خود، توسعه میادین گازی با مشکل مواجه خواهد شد (نادریان، ۱۳۸۷).

موضع مصرف‌کنندگان گاز درباره تشکیل کارتل گازی

نظر به ماهیت فوق‌العاده استراتژیک حامل‌های انرژی و احتیاج مبرم صنایع مترقی دنیا به آنها، کشورهای مصرف‌کننده در مقابل بروز هرگونه تغییر و تحول در روند تولید یا عرضه حساسیت بالایی دارند (پوراحمدی، ۱۳۹۰: ۱۸). به واقع انرژی کالایی استراتژیک به شمار می‌رود که تامین و امنیت عرضه آن نقشی کانونی در امنیت بین‌الملل و اقتصاد جهانی دارد (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۱).

از طرفی، آمریکای مدعی هژمونی، نباید نگرانی‌های مربوط به تامین امنیت عرضه انرژی را تنها بر حسب میزان مصرف خود تنظیم نماید؛ بلکه همان‌طور که رابرت کوهن عنوان می‌کند، یکی از الزامات ۹ گانه حفظ برتری قدرت در سطح جهانی تسلط بر امنیت تولید و امنیت عرضه منابع اولیه و حیاتی رشد اقتصاد جهانی به عنوان یکی از مهم‌ترین کالاهای عمومی است که قدرت برتر جهانی باید آن را تامین نماید (عسکرخانی، ۱۳۸۳: ۳۰-۳۹). بنابراین علاوه بر توجه به جایگاه کشورهای عضو مجمع گازی در آینده انرژی گاز جهان و

سهم آنها در واردات انرژی کشورهای غربی، باید به دغدغه سیاسی ضرورت تامین انرژی به عنوان کالایی عمومی برای آمریکای مدعی برتری قدرت جهانی نیز توجه نمود. شکل‌گیری هر نوع سازمانی که باعث همگرایی کشورهای صادرکننده گاز شود به نوعی می‌تواند تهدیدی علیه منافع کشورهای اروپایی و آمریکا فرض شود؛ زیرا در چنین حالتی دیگر احتمالاً رقابتی بین صادرکنندگان بر سر بازارها صورت نخواهد گرفت و قیمت‌های گاز احتمالاً افزایش پیدا خواهد کرد. همچنین در شرایطی که روسیه حدود یک چهارم از بازار گاز اروپا را در اختیار دارد، خواهد توانست نفوذ خود را در این بازار افزایش داده و این امکان فراهم می‌شود که با وابستگی اقتصادی اروپا به روسیه دیگر ظرفیت لازم برای فشار بر روسیه از اختیار اروپا خارج شده و اراده سیاسی روسیه نسبت به کشورهای اروپایی تا حد زیادی افزایش یابد. این موارد، باعث خواهند شد تا آمریکا به فکر مقابله با کارتلی احتمالی از کشورهای صادرکننده گاز باشد.

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری مجمع کشورهای صادرکننده گاز، یکی از برنامه‌های بلندمدت جمهوری اسلامی ایران است که با پیشنهاد و پی‌گیری‌های دیپلماتیک ایران تشکیل شده است. از نظر برخی تحلیلگران، جمهوری اسلامی ایران، سیاسی‌ترین موضع را نسبت به این سازمان به لحاظ اقتصادی دارد. به طور کلی، فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در مورد شکل‌گیری این مجمع را باید بیشتر در چارچوب شرایط سیاسی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت فشارهای سیاسی و بین‌المللی و به ویژه تنش بر سر فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای دید تا اهداف گازی و اقتصادی. این عامل زمانی قابل لمس‌تر خواهد بود که به این نکته توجه کنیم که بخش گاز جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با روسیه و قطر به اندازه کافی توسعه یافته نیست و با کمبود توان مالی، فنی-فناوری و ظرفیت تولید روبه‌رو می‌باشد. بالا رفتن ریسک سیاسی کشورهای تولیدکننده گاز مانند جمهوری اسلامی ایران نیز باعث از بین رفتن میل سرمایه‌گذاران بزرگ جهانی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های گازی این کشورها شده و با توجه به عدم توان مالی این کشور برای تامین مالی طرح‌های خود، توسعه میدان‌های گازی با مشکل مواجه خواهد شد. لذا موقعیت‌های صادراتی هم به جهت سیاسی و هم اقتصادی احتمالاً ضعیف خواهد ماند و جمهوری اسلامی ایران در مجمع عضوی قوی نخواهد بود. برای

مثال به از دست رفتن احتمالی فرصت جمهوری اسلامی ایران برای نفوذ در بازار گاز اروپا می‌توان اشاره کرد. در حال حاضر اروپایی‌ها که در رابطه با واردات گاز از روسیه با مشکلات و ملاحظه‌هایی مواجه هستند به دنبال جایگزین مناسب دیگری برای تأمین گاز مورد نیاز خود هستند تا بتوانند از وابستگی خود به گاز روسیه بکاهند و در این بین، جمهوری اسلامی ایران با ذخایر عظیم گاز خود و نزدیکی به اروپا، از مهم‌ترین و مناسب‌ترین گزینه‌ها برای آنها به شمار می‌رود. بنابراین، ایران می‌تواند از فرصت به وجود آمده در صورت نبود محدودیت‌ها بیشترین بهره‌برداری را بنماید و تولیدات گاز خود را به عنوان جایگزین گاز روسیه عرضه نماید.

همچنین، باید متذکر شد، اگر هدف ایران از عضویت در سازمان کشورهای صادرکننده گاز، فعالیت به‌عنوان یک صادرکننده مطرح گاز در سطح جهان است، اما با توجه به نیاز روزافزون کشور به منابع انرژی در داخل و روند رو به افزایش مصرف گاز و جایگزینی آن به جای فرآورده‌های نفتی و نیاز داخلی به گاز در بخش تولید و تأمین برق و صدها مورد استفاده داخلی که برای این سوخت پاک متصور است و با در نظر گرفتن این واقعیت که سرعت رشد برداشت از میادین گاز کشور از سرعت رشد تقاضای داخلی بیشتر نبوده و پیش‌بینی نمی‌شود با توجه به وابستگی فناوری کشور در زمینه تولید گاز به شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز و تحریم‌های وضع‌شده بر سرمایه‌گذاری در میادین نفت و گاز کشور، رشد تولید از رشد مصرف در آینده نزدیک بیشتر باشد، لذا تکیه و تمرکز بر بازارهای صادراتی و الزام کشور به بازی در نقش یک صادرکننده مطرح، چندان واقع بینانه به نظر نمی‌رسد.

لازم به ذکر است که در حال حاضر فشارهای بین‌المللی زیادی علیه شرکت‌هایی که بخواهند در بخش انرژی جمهوری اسلامی ایران سرمایه‌گذاری کنند، وجود دارد. ایالات متحده آمریکا شرکت‌هایی را که بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنایع نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران سرمایه‌گذاری کنند، تحریم می‌کند. برخی از کشورهای نیازمند انرژی نظیر ژاپن با جهت‌گیری‌های دقیق این فشارها، آمادگی لازم برای سرمایه‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران را ندارند؛ به طور نمونه، ژاپنی‌ها آنقدر در سرمایه‌گذاری در حوزه آزادگان تعلل کردند که جمهوری اسلامی ایران مجبور شد سهم سرمایه‌گذاری آنها را به شدت کاهش دهد. به این ترتیب، اگر چه بودن در هر مجمع بین‌المللی مثبت است ولی با توجه به شرایط

تولید و صادرات گاز در ایران و تحریم‌هایی که به عنوان عاملی علیه توسعه صنعت گاز این کشور عمل می‌نماید، لذا جمهوری اسلامی ایران شانس بسیار محدودی برای یافتن جایگاهی مناسب در سازمان کشورهای صادرکننده گاز و قدرت تصمیم‌سازی در این سازمان خواهد داشت و به نظر می‌رسد دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند از این اهرم بهره‌برداری لازم را بنماید، لذا باید هوشمندانه‌تر اقدام نمود تا هزینه اضافی برای این سازمان و یا در ارتباط با اعضای اصلی آن نپرداخت.

با توجه به اهداف و محدودیت‌های جمهوری اسلامی ایران و نیز با توجه به اهداف تعریف شده برای مجمع کشورهای صادرکننده گاز که بیشتر تکنیکی و در جهت تامین منافع کشورهای صادرکننده گاز در بازارهای بین‌المللی است و اینکه چگونه منافع اعضا را در بازارهای گازی تامین کنند به این نتیجه می‌رسیم که این رویکرد با اهداف و محدودیت‌های جمهوری اسلامی ایران همخوانی ندارد و می‌توان گفت که دیپلماسی گازی جمهوری اسلامی ایران در تشکیل این مجمع اگرچه تا حدودی ایران را به منافع سیاسی و امنیتی خود نزدیک کرده است؛ ولی لزوماً کمک چندانی در جهت موقعیت اقتصادی و انرژی جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند داشته باشد. با توجه به کوتاه مدت بودن اهداف سیاسی و امنیتی، این احتمال بسیار زیاد است که با تغییر روابط و مناسبات و فضای حاکم بر عرصه بین‌المللی این اهداف نیز تغییر ماهیت دهند که روابط اخیر جمهوری اسلامی ایران با قطر در این مورد قابل ذکر است. لذا باید ضمن توجه به ایجاد روابط نزدیک با سایر اعضای تاثیرگذار در مجمع گاز، جمهوری اسلامی ایران از دادن هزینه‌های سنگین و دادن امتیاز بیشتر در این سازمان بپرهیزد.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، ایلناز (۱۳۸۸)، *سازمان‌های کشورهای صادرکننده گاز، شکل‌گیری، فرصت‌ها و تهدیدها*، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- احمدی، حسین (۱۳۸۸)، « دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی *دانش سیاسی*، دوره ۵، شماره ۱۰.
- اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۷۶)، « نقش و جایگاه تحریم در سیاست خارجی آمریکا»، مجله *سیاست خارجی*، سال یازدهم.
- نادریان، محمد امین (۱۳۸۷)، « مجمع کشورهای صادر کننده گاز در مرحله‌ای تازه»، *اقتصاد انرژی*، شماره ۱۱۰.
- عسکرخانی، ابومحمد (۱۳۸۳)، *رژیم‌های بین‌المللی*، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، « ابزار توسعه: تحولات جهانی در عرصه انرژی و موقعیت ایران»، ماهنامه *همشهری دیپلماتیک*، سال دوم، شماره ۲۲، بهمن.
- کاظم‌پور اردبیلی، حسین (۱۳۸۶)، « سیاست نفتی؛ نقش متقابل کشورها در امنیت جهانی انرژی» ماهنامه *همشهری دیپلماتیک*، سال دوم، شماره ۲۲، بهمن.
- اسلامی، مسعود (۱۳۹۱)، « دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه‌های همگرایی و واگرایی»، فصلنامه *راهبرد*، سال بیست و یکم، شماره شصت و چهار.
- باین، نیکلاس، استفان وولکاک (۱۳۸۸)، *دیپلماسی اقتصادی نوین: تصمیم‌گیری و مذاکره در روابط اقتصادی بین‌المللی*، مترجم: محمدحسن شیخ‌الاسلامی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- پورا احمدی، حسین (۱۳۸۶)، *سازمان اوپک و همگرایی کشورهای صادرکننده گاز*، فصلنامه *روابط خارجی*، سال سوم، شماره ۴.
- پورحسن، ناصر (۱۳۸۵)، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، شماره ۴۳.
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۷۳)، *استراتژی و تحولات ژئوپلتیک پس دوران جنگ سرد*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- جوکار، صادق (۱۳۹۰)، «فرابخشی‌گرایی، واقع‌گرایی و عمل‌گرایی: استلزامات عملی تدوین دیپلماسی انرژی ایران»، فصلنامه دیپلماسی انرژی (موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی)، شماره یکم، سال اول.
- خادم، فاضله، ۱۳۸۵. «سیاست انرژی آمریکا، راهبرد این کشور در منطقه» خلیج فارس، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۳ شماره ۴.
- زرینی، ابراهیم، محمد زرینی، ارائه مدلی برای مصرف، تزریق و صادرات گاز طبیعی در ایران، در: http://www.petronet.ir/index.php?module=attachment_EM77.doc
- شیخ عطار علیرضا (۱۳۸۵)، «همراهی دیپلماسی و اقتصاد»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۰، خرداد.
- فرید، دهقانی (۱۳۸۵)، تشکیل بازار مشترک گاز ایران- روسیه، دفتر مطالعات زیر بنایی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- قربان، نرسی (۱۳۸۶)، «صادرات گاز: هم منفعت، هم ضرر»، ماهنامه اقتصاد ایران، شماره ۱۰۳.
- کی پور، جواد و جهانبخش ایزدی (۱۳۸۸)، «دیپلماسی انرژی و لزوم استفاده از آن برای تامین منافع ملی ایران در جهان»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۴.
- متقی، ابرهیم (۱۳۹۰)، «دیپلماسی انرژی ایران؛ الگوها و روندها»، فصلنامه دیپلماسی انرژی (موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی)، شماره یکم، سال اول.
- ملکی، عباس (۱۳۹۰)، سیاست‌گذاری انرژی، دانشگاه صنعتی شریف.
- وجیهه، مهری پرگو (۱۳۸۶)، اوپک‌گازی: رویکردها، چالش‌ها و فرصت‌های ژئواستراتژیک، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- «قطر، تحولات داخلی و جایگاه منطقه‌ای»؛ سایت پژوهشکده تحقیقات راهبردی، در: <http://www.isjournals.ir/fa/middle-east-farsi/138-essay-farsi-5.html>.
- تحریم‌های ناکارآمد، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی ۱۳۹۱/۱۰/۹ در: <http://www.ir-psri.com/show.php?page=ViewArticleID=309>.
- Alexandrov, Oleg (2010), *Fathoming The Secrets of Energy Diplomacy*, Available At: <http://www.oilru.com/or/42/874/> (Accessable: August 08, 2011).
- Gudynas, Eduardo (2007), *Energy Diplomacy Leads to a Crossroads for South American Integration*, Available At: <http://www.cipamericas.org/archives/694> (Accessable: Augaest 08, 2011).
- Shirin, Hunter (1990), *Iran and The World: Continuity in a Revolutionary Ecade*, Bloomington, Indiana Universitypress, 1990.
- SongyingFang, Amy Myers Jaffe, Ted Temzeldes (2012), *New Alignments? The Geopolitics of Gas and Oil Cartels and the Changing Middle East*, January, James a.Baker, Institute for Public Policy.

- Truscot, Peter (2009), *European Energy Security*, Royal United Institute for Defence and Security Studies, London:Routledge.
- Obindah, Wagbara (2005), *Is an Opec (Organization of Gas Exporting Countries)Likely?*, University of Dundee.
- Gawdat, Bahgat (2009), Prospects for a Gas OPEC , 12-Jan. At Aviable: http://www.mees.com/Postedarticles/oped/v52no2_5odo1.html.